

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

ارسال و افزوده از: حمید محوی

۰۶ می ۲۰۱۶

از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی حمایت کرده و از خواست آنان یکپارچه دفاع کنیم

بیش از ۱۲ روز از شروع اعتصاب غذای محمود بهشتی و ۵ روز از شروع اعتصاب غذای جعفر عظیم زاده و اسمائیل عبدی می‌گذرد. زندانیانی که جرمی جز حقخواهی و دفاع از بدیهی ترین حقوق معلمان و کارگران ندارند. اعتصاب غذا آخرین حربه زندانیان سیاسی برای رسیدن به خواسته‌هایشان و اعتراض به شرایط زندان و احکام ظالمانه است.

اکنون سال‌های سال است که زندانیان سیاسی و اجتماعی به اتهام‌های واهی اقدام علیه امنیت ملی به زندانهای طویل‌مدت و یا به احکام غیرانسانی مانند شلاق محکوم می‌شوند. در این موارد، سکوتی معنادار حکومت‌های نظام سرمایه‌داری و رسانه‌هایشان را فرا گرفته است. حکومت‌هایی که گاه فریادهای حقوق بشرشان گوش فلک را کر می‌کند، اما در این موارد که فریاد عدالتخواهی زندانیانی بلند می‌شود که به جرم دفاع از زحمتکشانشان در زندانند، گویا هیچ اتفاق مهمی صورت نگرفته است.

اکنون تعدادی از زندانیان سیاسی دست به اعتصاب غذای نامحدود برای اعتراض به این شرایط زده اند. آنان خواسته‌های مشخصی دارند: اعتراض به شیوه محاکمه و صدور احکام طولانی برای زندانیان سیاسی و اجتماعی به جرم‌های امنیتی و عدم رعایت ابتدائی ترین حقوق انسانی برای این زندانیان و ...

در حالی که برای دزدان و غارتگران اموال عمومی، اگر سروکارشان به زندان بیفتد، شرایط بسیار سهل تر و آسان تر است و استفاده از حقوقی مانند داشتن انواع وکلائی مدافع در هر مرحله از پرونده و دادن فرصت کافی به وکلاء برای پرونده خوانی و دفاع از آنان و اعمال مواد قانونی، رأفت و گذشت به سادگی در مورد آنان صورت می‌گیرد، اما دفاع از حقوق کارگران و معلمان و اقشار محروم و تحت ستم جرمی نابخشودنی به حساب می‌آید که بعضاً حتا فرصت درمان پزشکی هم از آنان سلب می‌شود.

ما از همه انسان‌های آزادیخواه و عدالت طلب می‌خواهیم که از خواست به حق این زندانیان دفاع کرده و صدای آنان را به گوش همه جهانیان برسانند تا کارگران و زحمتکشانشان سراسر جهان در سالگردی دیگر از روز کارگران دریابند که بر فعالان کارگری و اجتماعی در این جغرافیای خاص چه می‌گذرد.

کانون مدافعان حقوق کارگر از خواسته‌های به حق این زندانیان پشتیبانی کرده و خواست آنان را خواسته همه آزادیخواهان و رنج‌دیدگان و ستمکشان می‌داند .
تا پیش از آن که فاجعه ای رخ دهد، زندانیان سیاسی اعتصابی و کلیه زندانیان سیاسی باید بی قید و شرط آزاد شوند.

۱۴ اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۵

ارسال از سوی گاهنامه هنر و مبارزه در پشتیبانی از زندانیان سیاسی، و تمام ساکنان سرزمین ایران که در واقع گروگان های دستگاه دین اسلام هستند که از آغاز تا امروز با ستمگران زمانه متحد بوده و هست . خدای اسلام به شکل بنیادی راهن است و راهنی را تشویق می کند و تجاوز به مال و ناموس دیگران را به مؤمنین وعده می دهد..
با وجود این، من از اعتصاب غذا به عنوان شیوه مبارزه علیه ستمگران و سرمایه سالاران موافق نیستم و مبارزان اجتماعی را به شکستن اعتصاب غذا دعوت می کنم، چون که ممکن است در دراز مدت به سلامتی شان خسارتی جبران ناپذیر وارد سازد . باید در جنگ طبقاتی شیوه های دیگری را جست و جو کنیم .ستراتژی ما باید بر اساس ستراتیژی صفر کشته باشد .

مدافعان حقوق کارگر اکیداً «باید» موضوع ستراتیژی صفر کشته را برای امنیت ملی مطرح کنند .همراه با تمام فراخواست های دیگر .ما اعلام می کنیم که این دستگاه دین پلید اسلام در ایران است که امنیت ملی ایران را با ستراتیژی شهادت و مدد غیبی به خطر انداخته است .تغییر ستراتیژی به صفر کشته، نیروی دفاعی ایران را صد چندان، بیش از ده ها هزار تانک تی 90 فوراً تقویت خواهد کرد .ستراتژی صفر کشته در امنیت ملی در عین حال و فوراً نتایجش را در جهان کار نشان خواهد داد .این همه کارگری که به خاطر یک قطعه نان، در نبود ستراتیژی صفر کشته و ضروریات حفاظتی و فرهنگ حفاظتی و امنیتی در محل کار جانشان را از دست می دهند .بعد می گویند خواست خدا بوده .

از این فرصت استفاده می کنم و چندان هم بی مناسبت نیست، و مقاله بسیار جالب «فرضیه فاجعه زدگی :تأثیر پایدار فاجعه مغول در تاریخ سیاسی، اجتماعی و علمی ایران» به قلم عباس عدالت را در پیوست اضافه می کنم .البته طرح فرضیه فاجعه مغول قدیمی تر از عباس عدالت است، ولی این نویسنده به شکل بارزی با قید مراجع آن را تنظیم و بررسی کرده است، به ویژه طی صفحات متعددی بر آن بوده است تا موضوع را از دیدگاه روانشناسی و احتمالاً روانکاو مد نظر قرار دهد .برای طرح چنین موضوعی البته باید از این نویسنده سپاسگذار باشیم .با وجود این اصل کار یعنی «درمان جراحات روانی» دیر پا در سطح تمامی یک ملت هنوز بر جا مانده است .در نتیجه، خواندن این مقاله را نیز به همه دوستانم سفارش می کنم .حتماً .

که ستمگران حاکم در ایران، دستگاه دین ضد بشری اسلام در ایران بدانند، که ما نگران وضعیت زیستی هم میهنانمان در زندان هایشان هستیم .ایران را از جهان سرمایه و اسلام پس می گیریم .گذشت آن زمانی که شیعیان نیز خودشان خیل خیل سربداران بودند، امروز اما، ما ایرانیان به ترجمه فارسی قرآن دست یافته ایم و به نقد ادبی نیز آگاهی داریم، و بیش از اینها نیز آگاهی خواهیم یافت .و من قول می دهم که ایران هرگز یک کشور اسلامی باقی نخواهد ماند .امید است که فروپاشی دین اسلام در ایران به دست ما ایرانیان و افشای این ایدئولوژی ضد بشری و دروغین به شکل صلح آمیز امکان پذیر گردد و هم میهنان ما به آزادی و در آزادی به حقیقت امر پی ببرند .آن چیزی که امنیت ملی ما ایرانیان

رابطه خطر انداخته فراخواست های کارگران و آموزگاران نیست، بلکه نظم سرمایه و نظم دین اسلام است که از آغاز با زور و تهدید به ایرانیان تحمیل شد و تا امروز ادامه یافته و باید متوقف شود.

من فکر می‌کنم، اگر جراحات تاریخی ایرانیان چه در حمله وحشیانه دین اسلام و چه در هولوکاست ایرانیان در عصر چنگیز و تیمور... که رسوبات متواتر آن تا امروز باقی مانده... تا جائی که «چنگیز خان» کارگران و آموزگاران را به زندان محکوم می‌کند، و با تحقیر خرد، موجب مرگ کارگران در محل کار می‌شود، و از سوی دیگر با کاسه گدائی و عجز و لابه تی 90 از روسها می‌خواهد بخرد و امثال اینها... و از سر توستری خوردن از امریکا و اروپا، ملت ایران را به خیانت به امنیت ملی محکوم می‌کند... من فکر می‌کنم اگر درمانی وجود داشته باشد، این درمان نمی‌تواند صرفاً از کابینه روانشناسان و روانکاوان عبور کند که در دوران ما غالباً دچار کنفورمیسم طبقاتی شده اند، بلکه حدس می‌زنم که درمان این تروماتیسیم تاریخی «احتمالاً» در مبارزه طبقاتی صحیح خواهد شد. ما باید بتوانیم از این سد و معبر عبور کنیم...

حمید محوی / پاریس ۰۴ می ۲۰۱۶